خبر کوتاه

جلسه با حامی البسه

حسین خبیری، معاون اجرایی و امیرعلی حسینی مدیر امور بین‌الملل باشگاه پرسپولیس در سفر به امارات با نماینده خاورمیانه‌ای شرکت آلشپورت تشکیل جلسه دادند. این جلسه در ارتباط با تهیه و تحویل گرفتن البسه تیم پرسپولیس برای نیم فصل دوم، لیگ قهرمانان آسیا و تیم‌های پایه و همچنین مشاهده طرح‌های جدید صورت گرفت. نمایندگان باشگاه پرسپولیس همچنین در جریان این سفر با توجه به اینکه پرسپولیس باید در لیگ قهرمانان، از نماینده عربستان در کشور ثالث میزبانی کند، بررسی‌هایی در این ارتباط داشتند.

امروز جلسه با استوکس

آنتونی استوکس بازیکنی که از مدت‌ها قبل با مسئولان باشگاه پرسپولیس مذاکرات خود را آغاز کرده و حتی پیش قرارداد او امضا شده امروز در امارات حاضر می‌شود تا به همراه مدیربرنامه خود و نمایندگان پرسپولیس مذاکرات نهایی را انجام دهد. البته قرار بوده این اتفاق پنجشنبه رخ دهد اما ظاهراً پاسپورت استوکس منقضی شده و او گفته سه روز دیگر به دبی سفر خواهد کرد که باید دید این بازیکن پرحاشیه سر حرفش می‌ماند یا نمایندگان پرسپولیس را قال می‌گذارد.

لقب امپراتور برای یحیی

علی‌رغم سرمای هوا، تمرین روز پنجشنبه سرخ‌ها با استقبال بسیار خوب هواداران این تیم همراه بود. آنها که به شدت بازیکنان و کادر فنی را تشویق می‌کردند به گل‌محمدی لقب امپراتور داده و اینگونه او را مورد خطاب قرار دادند. گل‌محمدی هم در پاسخ به این تشویق‌ها به سمت هواداران رفت و به ابراز علاقه آنها پاسخ داد. پیش از این لقب امپراتور به افشین قطبی اطلاق شده بود.

تمرین بارانی با قربانی و تولد

تمرین دیروز پرسپولیس از ساعت ۱۱ و ۳۰ دقیقه در هوای ابری و در بخشی زیر بارش باران در ورزشگاه شهید کاظمی برگزار شد.

پیش از آغاز تمرین، برای موفقیت قرمزپوشان در مسابقات پیش رو، گوسفندی قربانی شد. پس از آن، یک مراسم صمیمی و کوچک به مناسبت تولد کمال کامیابی‌نیا با حضور اعضای تیم برگزار و عکس‌هایی به یادگار گرفته شد. گرم کردن، کارهای ترکیبی و فوتبال درون تیمی در قالب دو تیم قرمز و زرد در دستور کار قرار گرفت و نکات لازم از سوی کادر فنی به بازیکنان منتقل شد.

سیامک نعمتی هم برنامه‌های اختصاصی خود را در کنار زمین با کادر پزشکی و بدنساز تیم انجام داد.

خرده گزارش

تفاهم با گابریل در دبی

حسین خبیری، معاون اجرایی و امیرعلی حسینی مدیر امور بین‌الملل باشگاه پرسپولیس در سفر به امارات جلسه‌ای را با فرناندو گابریل هافبک سابق سرخ‌ها که به خاطر دریافت مطالباتش شکایت کرده بود برگزار کردند.

در این نشست که بسیار خوب هم برگزار شد، دو طرف برخورد صمیمی داشتند. همچنین بازیکن پیشین پرسپولیس از اینکه محمدحسن انصاری‌فرد نسبت به این موضوع توجه نشان داده و از سفر نمایندگان باشگاه برای پیگیری و حل و فصل موضوع ابراز خشنودی و تشکر کرد.

به این ترتیب با توجه به توافق صورت گرفته، این بازیکن پذیرفت پیگیری خود را در نقطه کنونی متوقف کند و در ادامه درباره نحوه و زمانبندی انجام تعهدات از سوی باشگاه نیز بین طرفین توافق کامل صورت گرفت.

جالب اینکه این بازیکن از نمایندگان باشگاه خواسته بود آخرین پیراهن پرسپولیس را برای او به یادگار ببرند. فرناندو در جریان ملاقات خود نیز ابراز علاقه بسیاری نسبت به پرسپولیس و هوادارانش داشت و خاطرات دوران حضور در پرسپولیس و تهران را فراموش نشدنی توصیف کرد.

گابریل همچنینی در مصاحبه با سایت پرسپولیس گفت: «من پرسپولیس را خیلی دوست دارم. بعد از جدایی، چند تیم عوض کردم ولی حال و هوای آن را نداشت. خاطرات پرسپولیس را همیشه در ذهن خودم مرور می‌کنم و پرسپولیس در قلب من جای دارد.»

او همچنین گفت: «از رئیس جدید باشگاه و همکاران ایشان تشکر می‌کنم که پیگیر این پرونده بودند و حتی به اینجا سفر کردند. برای من خوشایند نبود و نیست با توجه به علاقه‌ای که به پرسپولیس و هوادارانش دارم، این موضوع را در رکن قضایی فیفا دنبال کنم و خدای ناکرده این مسأله برای باشگاه مشکل‌ساز شود. خوشحالم که خارج از آنجا به تفاهم ارزشمندی رسیدیم.»

از اعتماد به برانکو و کالدرون تا اطمینان به گزینه وطنی

چماق را از روی سر مربی ایرانی برداریم

محمد قراگزلو
Mohammad Gharagozlou

باور کنید استفاده از صفت «خوب» یا «بد» برای توصیف یک مربی فوتبال بسیار کلی و در واقع امری سطحی به‌نظر می‌رسد. شاید باید ساده‌تر بنویسم و فرضیه خوب بودن یا بد بودن مربیان فوتبال را رد کرده و به این واقعیت اشاره کنم که به معنای واقعی کلمه در دنیای فوتبال مربی بد نداریم. بله، مربی بد نداریم اما اگر خیلی دوست داشته باشید این طیف را در ذهن خودتان تقسیم کنید می‌توانید صفت موفق یا ناموفق را به حسب آنچه تا امروز کاشته و درو کرده‌اند جلوی نام‌شان بنشانید و در بزنگاه انتخاب‌ها پیشداوری کنید که نه، جنس فلان مربی به این تیم بزرگ نمی‌خورد یا اصلاً حکم مطلق بدهید که بعید است این مربی در آن باشگاه به موفقیتی حتی کوچک دست یابد.

می‌خواهم به زبان ساده این حقیقت را بازگو کنم که هیچ مربی بدی در دنیای فوتبال وجود ندارد چراکه اساساً کار مربی تربیت بازیکن و هدایت تیم به سوی موفقیت است. حالا در این راه یک مربی کمتر مایه می‌گذارد و یکی بیشتر، یکی با متد علمی پیش می‌رود و دیگری به اصول سنتی پایبند است، یکی اهل همفکری و مشورت است و آن یکی کمتر از افراد کنار دستش در کادر فنی کمک می‌گیرد، یکی پرشور و حرارت است و آن یکی ثم‌بکم کنار خط می‌ایستد و تماشا می‌کند، یکی اهل چالش با رسانه‌هاست و دیگری اصلاً با مدیا ارتباطی ندارد، یکی با بازیکنانش ارتباط عاطفی و دوستانه برقرار می‌کند و دیگری فقط از دور دست حواسش را معطوف رفتار شاگردان خود کرده و با آنها نمی‌جوشد.

از این دسته‌بندی‌ها باز هم می‌توانیم داشته باشیم. یعنی به تعداد خصایل مربیان فوتبال می‌توان آنها را دسته‌بندی کرد اما باور کنید قرار گرفتن در هر طرف این خطوط باعث نمی‌شود شما یک مربی را «بد» و دیگری را «خوب» توصیف کنید. در واقع شاید با کنار هم قرار دادن برخی از این آیتم‌ها کنار هم به یکیجی از خصایل مثبت آن هم با سلایق شکل‌گرفته در ذهن خودتان برسید و رأی به خوب بودن فلان مربی بدهید اما باید این را هم در نظر بگیرید که شاید یکی هم باشد که دقیقاً مربی با خصایلی کاملاً متفاوت و در نقطه مقابل سلیقه شما را بپسندد.

اگر بخواهم مثال بزنم دیه‌گو سیمئونه را با پپ گواردیولا مقایسه می‌کنم. باور کنید هیچ‌وقت نمی‌توانید صراحتاً بگویید پپ مربی فوق‌العاده‌ای است و سیمئونه بویی از مربیگری نبرده. آنها به‌کلی با هم متفاوتند و این تفاوت از تفکرات‌شان درباره فوتبالی که تیم‌های‌شان ارائه می‌دهند تا نوع لباس پوشیدن و رفتارشان لب خط مشهود است.

واقعیت این است که هر دو مربی به‌لحاظ دستاوردهای‌شان در دایره مربیان موفق دنیای فوتبال شناخته شده‌اند و اصلاً شاید برای رساندن منظور مثال مناسبی نباشد پس از دریچه‌ای دیگر وارد ماجرا می‌شویم و مثال بارزتری می‌آوریم.

شاید بتوانیم یورگن کلوپ را مثلاً با یکی از مربیان هم‌نسلش مثل گواستاوو پویت مقایسه کنیم و بگوییم کلوپ در انگلیس مربی موفق‌تری نسبت به پویت بوده اما هیچ‌وقت این حکم کلی را صادر نکنیم که کلوپ مربی خوبی است و پویت در دسته مربیان بد قرار می‌گیرد.

این مقدمه کلی را گفتم تا بگویم دسته‌بندی رایج رسانه‌ها در فوتبال امروز کشورمان که طی سال‌های اخیر به خورد مخاطبان فوتبال‌دوست یا همان هواداران شیفته فوتبال در ایران داده شده دسته‌بندی درست، منطقی و منصفانه‌ای نیست. در واقع اگر بخواهم صاف بروم سراغ اصل ماجرا باید بگویم اینکه همه مربیان خارجی در زمره مربیان خوب و همه مربیان بد در طیف مربیان بد قرار می‌گیرند ناشی از بی‌انصافی و نگاهی سطحی است که البته معتقدم برخی مربیان داخلی در شکل‌گیری و نقش بستن این نگاه و ذهنیت در بین اهالی رسانه و هواداران فوتبال تأثیر داشته و مقصرند.

با این وجود اینجا در فوتبال ایران مرزبندی بین مربیان داخلی و خارجی چنان ریشه عمیقی در بین اهالی رسانه و مردم علاقه‌مند به این رشته ایجاد کرده و چنان پررنگ شده که بعد از خروج مربیان خارجی و رویکرد دوباره به گزینه‌های داخلی همه با قضاوتی پیش از موعد، حکم به عقبگرد کلی فوتبال ایران و نزول کیفی سطح فوتبال‌مان چه در رده ملی و چه باشگاهی داده‌اند.

واقعیت اینکه فوتبال ملی و باشگاهی به‌دلیل چالش‌های مالی و بانکی دیگر توان رویکرد عمده به مربیان خارجی را ندارد و هر روز در این زمینه اخباری به گوش می‌رسد که تصور می‌کنیم احتمالاً تا دو سال دیگر هیچ مربی خارجی در فوتبال‌مان حضور نخواهد داشت. از سوی دیگر به این نکته هم واقفیم که هر مربی خارجی با خود نگاه تازه، تجربه متفاوت و ایده‌هایی ناب داخل مرزهای ایران خواهد آورد که می‌تواند به رشد فوتبال و مربیان خودمان کمک کند اما باور کنید فاصله‌ای که در ذهن مخاطبان فوتبال در خصوص تفاوت سطح دانش، دیسیپلین و کارآمدی مربیان خارجی و ایرانی شکل گرفته حبابی است که انگار دوست نداریم سوزن برداریم و از بین ببریمش.

واقعیت اینکه مربی ایرانی به‌دلیل سابقه بد ذهنی رسانه و غالب مخاطبان همواره در شروع هر کاری -چه در تیم‌های کوچک چه باشگاه‌های بزرگ- چماقی بالای سر خود حس می‌کند که هر لحظه منتظر فرود آمدن آن است اما در نقطه مقابل برای خارجی‌های همین طیف در همان تیم‌ها با همان مدیران، همان رسانه‌ها و همان هواداران حریم امنی شکل گرفته که اجازه می‌دهد حتی اگر یک مربی خارجی در بدو امر نه به‌لحاظ نتیجه، نه فرم فوتبالی که تیمش ارائه می‌دهد و نه رفتار او با باشگاه، هواداران، رسانه‌ها و بازیکنان ناکام بوده و باگ‌های متعددی داشته فرصت قرار گرفتن در مسیر را پیدا کند.

این اتفاق طی چهار سال گذشته در تیم بزرگ پرسپولیس با در نظر گرفتن بیشترین حساسیت‌ها و بالاترین تعداد نگاه‌ها به‌لحاظ رسانه‌ای و هواداری دوبار برای دو مربی خارجی رخ داد؛ اولین‌بار برانکو ایوانکوویچ به‌خاطر سابقه حضور نسبتاً طولانی‌مدت در فوتبال ایران، با اعتماد رسانه و هوادار پس از مقطع شش هفته‌ای ناکامی در لیگ چهاردهم و شروع ناامیدکننده در لیگ پانزدهم فرصت جا انداختن و بازسازی تیم به‌هم‌ریخته پرسپولیس را پیدا کرد تا جایی که همان فصل تا آستانه قهرمانی پیش رفت و با تشدید اعتماد و قوا و قرار گرفتن در مسیر و رسیدن به ثبات در نهایت ۷ جام گرفت و پرسپولیس را در سخت‌ترین شرایط ممکن تا آستانه افتخاری پیش برد که باشگاه در تاریخ حدوداً ۶۰ساله خود به چشم ندیده بود.

بار دوم گابریل کالدرون با وجود حساسیت‌هایی که نسبت به جلوسش بر صندلی یک مربی فوق‌العاده موفق وجود داشت با حمایت و اعتماد باشگاه، رسانه و هوادار از مسیری سخت عبور کرد و با وجود کاستی‌های فراوان در فرم فوتبال تیمش و نتایج ضعیفی که گرفت کم‌کم در مسیر درست قرار گرفت و سر آخر به‌عنوان یک چهره موفق و بنا به دلایلی غیرفوتبالی از این تیم جدا شد.

حالا از خودتان بپرسید چرا چنین حالتی برای مربیان داخلی رخ نمی‌دهد و از همین حالا چماق‌ها بالای سر آنها قرار گرفته و همه با بولد کردن ناکامی‌های قبلی مربیان داخلی و اهتمام در آنها به استقبال قضاوت زودهنگام رفته‌اند. چرا همه فریاد وامصیبتا سر داده‌اند و به ضرس قاطع از عقبگرد فوتبالی ملی و باشگاهی حرف می‌زنند؟ چرا این چماق‌ها هرگز برداشته نمی‌شود تا با جلب حمایت و اعتماد عمومی زمینه موفقیت گزینه‌های داخلی فراهم شود تا در صورت ناکارآمدی آنها بعد از حمایت عمومی این طیف در بوته نقد قرار گیرد؟ چطور چنین اتمسفری به‌صورت کاملاً خودجوش در رسانه‌ها و بین مخاطبان پا گرفته و هر روز نشر می‌یابد و اصل ریشه این تفکر کجاست که چنین پا گرفته و ستبر شده است؟ چطور می‌شود اینچنین قاطع و سریع حکم داد که مربی ایرانی فرصت تنفس و تأمل در فضای تازه را نداشته باشد و اصلاً باید همین مجال‌های کوتاه -گپ بین استفاده از یک مربی خارجی تا مربی خارجی بعدی- را از او گرفت؟

توأمان با طرح پرسش‌های فوق البته به این مهم قائلم که هر باشگاهی در انتخاب سرمربی ایرانی باید خصوصیات و ویژگی‌های گزینه مدنظر خود را در سطور اولیه این متن جست‌وجو کند؛ اینکه هر مربی چقدر برای تیمش، بازیکنانش و باشگاهش مایه و توان می‌گذارد، چقدر با اتمسفر باشگاه‌های بزرگ آشناست و دیسیپلینش در آن رتبه و درجه‌ای قرار می‌گیرد که از پس حواشی تیم بزرگی مثل پرسپولیس برآید یا خیر.

شک نکنید انتخاب سرمربی داخلی برای تیم بزرگی مثل پرسپولیس نیازمند بررسی فاکتورهایی است که با ابعاد این باشگاه در تصور جامعه فوتبال سنخیت داشته باشد و شاید بر اساس این فاکتورها بتوان قضاوتی نسبی و اولیه کرد که فلان گزینه در این باشگاه کارآیی خواهد داشت یا خیر، اما اینکه از همین حالا تصور کنیم تیم ملی، استقلال و پرسپولیس با رویکرد دوباره به مربیان ایرانی حتماً و قطعاً زمین خواهند خورد و به‌لحاظ فنی و فوتبالی پسرفت خواهند کرد ناشی از نگاهی سطحی و قضاوتی عجولانه است که ناشی از همان حس بی‌اعتمادی و مرزبندی‌های غالب رسانه و مخاطبان می‌شود و باعث خواهد شد سال‌ها بر یک فرضیه کلی و سطحی پای بفشاریم که مربی خارجی حتماً خوب است و مربی ایرانی قطعاً بد.

مورد استثنایی یحیی

پرسپولیس بعد از نزدیک به ۵ فصل دوباره به استفاده از سرمربی ایرانی روی آورده یا بهتر بگوییم شرایط اقتصادی این باشگاه را به سمت و سوی استفاده مجدد از مربی ایرانی سوق داده است اما نگاه‌ها در این باره به اندازه تیم ملی و حتی استقلال -که چهره محبوبی روی نیمکت این تیم نشسته- بدبینانه و غرض‌ورزانه نیست.

یحیی گل محمدی مربی آرام و سر به زیری است اما با همین ویژگی و با در نظر گرفتن اینکه سن و سال زیادی ندارد سابقه خوبی برای دوران مربیگری‌اش گردآوری کرده است. فعلا کاری به عرض مربیگری و کیفیت کارش نداریم و تنها به طول آن اشاره می‌کنیم. او ۴۸ سال دارد و بیش از ۱۰ سال است سرمربیگری می‌کند. یحیی از آن دست فوتبالیست‌هایی بود که تا سن بالا بازی کرد. او احتمالاً جزو استثناهای فوتبال ایران به شمار می‌رود چراکه درست بلافاصله پس از دوران بازیگری به نیمکت مربیگری و صندلی اول آن پرتاب شده و از ابتدا سرمربی بوده است. شاید عجیب باشد که در این دوره حدوداً یازده ساله عمر مربیگری او گل‌محمدی را فقط به عنوان سرمربی دیده و شناخته‌ایم کما اینکه بسیاری معتقدند او با دوراندیشی و نگاه عمیق خود به مشکلات مانوئل ژوزه در پرسپولیس و اینکه می‌دانست بعید است یک مربی خارجی بدون شناخت از فوتبال ایران (که در فاصله ۱۲ روز مانده به شروع فصل تیمی که خودش نبسته را تحویل گرفته) به جایی برساند، قبول کرد دستیار او باشد چرا که از همان روز نخست صندلی سرمربیگری در تیم محبوبش را هدف گرفته بود.

در این دوران یازده ساله، همان نیم فصل تنها مقطعی است که گل محمدی را نفر اول کادر فنی ندیده‌ایم و حالا باید بیشتر به این فکر کنیم که چطور یک مربی بدون هوچی‌گری و تیم رسانه‌ای، با کمی خوش‌اقبالی، دوراندیشی، جلب اعتماد باشگاه‌ها و ایجاد ارتباط خوب با مدیران باشگاه‌ها چنین رزومه پر و پیمانی برای خودش دست و پا کرده که در ۴۸ سالگی هم کاندیدای سرمربیگری پرسپولیس می‌شود هم تیم ملی و در نهایت با مبلغی کلان و کلی سر و صدا -و به زعم مدیران باشگاه مشهدی، فشار- به سرمربیگری پرسپولیس می‌رسد.

یحیی گل محمدی حالا در ۴۸ سالگی یک سرمربی باتجربه است بدون اینکه در تیم‌های نوجوانان، جوانان و زیر ۲۳ سال باشگاهی کار کرده و طبق سلسله مراتب رشد مربیگری بالا آمده باشد. در بین ۹ تیمی که او سرمربی‌شان بوده سه تا در لیگ یک حضور داشته‌اند (گل ریحان، نساجی و تربیت یزد) که در محکم کردن پایه‌های مربیگری و آشنایی با جزئیات مربوط به لیگ‌های پایین‌تر و بازیکنان معمولی‌تر حتماً کمکش خواهد کرد اما در ادامه راه، او تیم‌های بزرگی را هدایت کرده که برخی‌شان مثل تراکتورسازی و پرسپولیس پرطرفدار بوده‌اند، همواره نگاه‌های متعددی متوجه‌شان بوده و تمام ابعاد مربیگری‌اش به چشم آمده است.

یحیی گل محمدی را در اولین حضورش در پرسپولیس سرمربی موفقی نمی‌دانند چرا که با وجود ارتقای رتبه تیم در جدول لیگ برتر (از دوازدهم به هفتم) با از دست رفتن قهرمانی حذفی در خانه و البته چالشی که روزهای آخر با مهدی مهدوی‌کیا داشت همه چیز برای او بد تمام شد. در تراکتور نیز جوانگرایی افراطی و کمی بدشانسی گل محمدی را یک سرمربی ناموفق نزد تبریزی‌ها جلوه داد اما کارنامه او در نفت تهران، ذوب‌آهن و پدیده یا همان شهر خودرو چیزی است که یحیی می‌تواند به آن افتخار کند.

مهم‌ترین دستاورد گل محمدی اما رویکرد به فوتبال مالکانه و تهاجمی و اجرای درست آن بود که در تیم‌های متوسط‌تر جا انداخت و پیش برد تا جایی که به موازات نتایج فوق‌العاده در مشهد تا روزهای پایانی فصل گذشته لیگ برتر، تیم او شانس قهرمانی نیز داشت و در نهایت برای نخستین بار (احتمالاً) تیمی از این شهر به آسیا رسید.

در نهایت اینکه گل محمدی با وجود کاستی‌هایش در طی سلسله مراتب رشد مربیگری، به عنوان یک سرمربی موفق به پرسپولیس رسید و قاطبه کارشناسان فوتبال، رسانه‌ها و البته هواداران پرسپولیس بدون در نظر گرفتن این نکته و حتی از دست دادن جام حذفی در پرسپولیس و عدم موفقیت در تراکتورسازی، حالا حتی اگر خوشحال نباشند ناراضی هم نیستند.

شاید اینجا هم یحیی یک مورد استثنایی است و احتمالاً تنها گزینه ایرانی است که می‌تواند بعد از یک دوره ۵ ساله جای یک سرمربی موفق با ۷ جام قهرمانی (برانکو) و یک سرمربی موفق دیگر با صدرنشین کردن تیم در فصلی سخت و اولین سال حضور در فوتبال ایران (کالدرون) بنشیند و از هیچ‌کس صدای اعتراضی شنیده نشود. احتمالا که نه، قطعاً همین مسأله باعث شده تا او تنها گزینه ایرانی باشگاه پرسپولیس باشد و از این جهت اهتمام و انتخاب باشگاه پرسپولیس هوشمندانه و عاقلانه به نظر می‌رسد.

یحیی گل محمدی دقیقاً تنها گزینه ایرانی است که می‌تواند در بازگشت به دوران ترکتازی مربیان ایرانی در باشگاه‌های بزرگ و تیم ملی از مقبولیت عامه و رسانه‌ای برخوردار باشد و خنده‌های عمیق انصاری‌فرد در زمان امضای قرارداد با یحیی می‌تواند شمایی کلی از خوش‌شانسی باشگاه پرسپولیس در پروسه بازگشت به استفاده از گزینه ایرانی باشد.

■■■

نکته مهم اما همان چیزی است که با خودمان فکر می‌کنیم. اینکه اگر یحیی انتخاب نمی‌شد و مربی ایرانی دیگری جای او را می‌گرفت، سرنوشت گزینه منتخب باشگاه و تیم پرسپولیس می‌توانست چقدر ترسناک باشد. نگاهی که باید سرانجام روزی تغییر کند اما لازمه آن برخورداری باشگاه‌های بزرگ و فدراسیون فوتبال از مدیران بزرگ، ریسک‌پذیر و نترسی است که روی اصول‌شان می‌ایستند و تصمیم‌ساز هستند. از سوی دیگر نقش رسانه‌ها در تغییر فرهنگ رویکرد به گزینه‌های ایرانی -که امروز فاصله‌شان را با مربیان خارجی کم کرده‌اند- غیر قابل انکار خواهد بود چرا که نوشتار رسانه‌ها در راستای بزرگ جلوه دادن مربیان خارجی و حقیر کردن مربیان ایرانی، هم مدیران متوسط و زیر متوسط فعلی فوتبال ایران را می‌ترساند هم به مرور دیدگاه هواداران و علاقه‌مندان به فوتبال را به گونه‌ای تغییر خواهد داد که ایشان تصور می‌کنند هر گذری از مربی خارجی به ایرانی یعنی شکست و بعضا باعث هجمه‌ای میلیونی علیه باشگاه‌ها، فدراسیون فوتبال و بدتر از آن مربیان تازه به استخدام درآمده‌شان خواهد شد تا جایی که از روز اول انگار این مربیان ایرانی را تحت فشار عجیبی در میان گلادیاتورها رها کرده‌اند و هیچ‌کس هوای‌شان را ندارد.

واکنش

توضیح مفصل باشگاه درباره مصاحبه شائبه‌برانگیز یحیی

در تخمین روزها اشتباه کرده است

بعد از مصاحبه روز پنجشنبه گذشته یحیی گل‌محمدی که گفته بود او اوساگونا را ده روز قبل تأیید کرده، این شائبه ایجاد شد که توافق پرسپولیس با این مربی قبل از قطعی شدن بازگشت کالدرون صورت گرفته است.

به همین خاطر مدیر روابط عمومی باشگاه پرسپولیس مجبور شد توضیح مبسوطی در این‌باره بدهد: باشگاه و هیأت مدیره تصمیم گرفته بودند تا روز شنبه، دهم ژانویه منتظر پاسخ نهایی آقای کالدرون بمانند. چهارشنبه شب هیأت مدیره و مدیرعامل، نامه‌ای را به آقای کالدرون فرستادند و ۱۵۰ هزار دلار روی قرارداد او اضافه شد. پاداش‌ها، بندها و آفرهای جدید هم به او و دستیارانش داده شد و همین شانس بازگشت را زیاد کرده بود. حتی اعلام شد قسط دوم آماده پرداخت است و پرداخت آن را هیأت مدیره ضمانت می‌کند.

قدوسی ادامه داد: روز پنجشنبه کالدرون نامه‌ای به باشگاه فرستاد و خواهان افزایش ۴۵ درصدی قرارداد خود و دستیارانش شد. ۳۵۰ هزار دلار برای کالدرون، ۷۷ هزار دلار برای خواکین و ۶۰ هزار دلار برای اینیگیو، درخواستی بود که سرمربی تیم طی نامه‌ای که از طریق واتساپ برای مدیربرنامه‌های ایرانی‌اش فرستاده بود، به باشگاه و هیأت مدیره ارائه کرد. ما با این شرایط می‌دانستیم که تقریباً کالدرون قصد بازگشت ندارد چون او بندها و خواسته‌های عجیب دیگری هم مطرح کرده بود. البته متأسفانه نامه آخرین درخواست او عیناً در یکی از رسانه‌ها منتشر شد که نمی‌دانیم کار چه کسی بود چراکه مدیرعامل گفته بود با رعایت اصول حرفه‌ای تا جایی که قابل بازگو باشد شفاف‌سازی می‌کنیم.

قدوسی اضافه کرد: روز جمعه بود که هیأت مدیره تشکیل جلسه داد و با ۷۰ درصد خواسته‌های مالی کالدرون موافقت شد و درباره سه چهار بند هم نظر باشگاه به او اعلام شد و با یک بند که تغییر مدیرعامل و تیمش بود هم کلاً مخالفت شد. قرار شد تا روز شنبه این هفته باشگاه منتظر پاسخش بماند. از آنجایی که احتمال عدم بازگشت کالدرون را زیاد می‌دانستیم به همین دلیل بنده با نظر مدیریت روز جمعه از طریق تلگرام و تماس به آقای گل‌محمدی، گزینه‌های خارجی‌مان را معرفی کردم.

وی گفت: بنده به آقای گل‌محمدی گفتم که هرچند وضعیت کالدرون فردا (شنبه) مشخص می‌شود اما از آنجا که احتمال بازگشتش ضعیف است به رغم اینکه احتمال جذب شما هم زیاد نیست از شما درخواست می‌کنم به عنوان یکی از گزینه‌های احتمالی سرمربیگری نظرتان را به ما بگویید و این اسرار باشگاه است و آن را محرمانه حفظ کنید.

مدیر برنامه‌های گزینه دوم سرمربیگری ما هم می‌تواند شهادت دهد که درباره لیست مازاد و جذب مهاجم روز شنبه چندبار با او تماس گرفتم که گفت آن مربی می‌گوید من مطمئن نیستم ماجرا جدی شود و لیست نمی‌دهم و فقط می‌گویم یک مهاجم گلزن و سرعتی جذب شود و اگر بلندقامت هم بود بهتر. حتی گفت اگر من مربی شدم یک بازیکن آزاد هم بعداً جذب می‌کنیم.

مدیر روابط عمومی باشگاه پرسپولیس ادامه داد: ما در نامه‌های ارسالی هیأت مدیره و مدیرعامل استوکس، اوساگونا، ارتم کرواتس و چند آلترناتیو ایرانی را طی مذاکرات مکتوب و از طریق ایمیل به کالدرون معرفی کردیم اما پاسخی دریافت نکردیم. صادقانه می‌گویم جمعه مورخ ۲۰ دی و یک روز قبل از انتظار برای دریافت پاسخ نهایی کالدرون، گزینه‌های خارجی که هنوز جذب شان منتفی نشده بود را به گل محمدی معرفی کردیم. او فیلم بازی و رزومه این چهار، پنج بازیکن را دید. روز شنبه که بازگشت کالدرون به طور کامل منتفی شد بار دیگر با گل محمدی تماس گرفته و شرایط را مطرح کردیم و او هم نظر نهایی‌اش را با ما در میان گذاشت.

آقا یحیی گفتند اگر اوساگونا از نظر بدنی آماده است و تمرین داشته جذب او را نهایی کنید و درباره گزینه خارجی دیگر هم گفت بازیکن گلزن و توانمندی است و فقط باید مدیریت کرد.

در واقع ما ۷ روز قبل با آقا یحیی مشورت کردیم و ۱۰ روز قبل نبود. احتمالاً آقا یحیی در تخمین روز اشتباه کرده است. ضمن اینکه مستندات آن را در تلگرام دارم که جمعه به او چهار، پنج گزینه را با رزومه کامل و فیلم بازی‌های ۲۰۱۹ معرفی کردم.

در نهایت اوساگونا و یک مهاجم خارجی دیگر (استوکس) که در حال مذاکره با او هستیم تبدیل به گزینه‌های نهایی ما شدند و آقای گل محمدی این ۲ نفر را از بین ۵ گزینه انتخاب کردند.

مصاحبه

امیدوارم مشکلات مالی باعث بی‌انگیزگی بازیکنان نشود

گل‌محمدی: چطور مبلغ قرارداد سرمربی تیم ملی را متوجه نشدید؟

اولین مصاحبه یحیی گل‌محمدی در پرسپولیس جدا از آنچه در مراسم عقد قراردادش اتفاق افتاده بود در اولین تمرین جدی سرخ‌ها با کادر فنی جدید اتفاق افتاد. جایی که یحیی و همکاران تازه‌واردش لباس رزم پوشیدند و با کریم باقری یکدست شدند تا پرسپولیس برای شروع نیم فصل دشوار پیش‌رو و مسابقات آسیایی استارت بزند. یحیی که اساساً مربی پرحرفی نیست مصاحبه مفصلی نداشت اما درباره مسائل مختلف مربوط به تیم جدیدش توضیح داد.

حضور در پرسپولیس: چند روز منتظر این لحظه بودیم. حضور هواداران واقعاً انرژی مثبت است و باعث ایجاد انگیزه بیشتر می‌شود. امیدوارم از حمایت آنها استفاده کنیم و روزهای خیلی بهتری را برای آنها رقم بزنیم. برای خودم که بعد از ۷ سال برگشتم افتخار بزرگی است که نصیبم شده است. همه عزیزانی که زحمت کشیدند و حمایت کردند امیدوارم جواب محبت‌های آنها را بدهم.

اظهارات حمیداوی که گفته بود فشارها دخیل بود: در هر نقل و انتقالاتی و هر اتفاقی که می‌افتد یکسری حرف و حدیث‌ها وجود داشته و قبلاً هم صحبت کردم. در این انتقال چیزی که مهم بود اینکه منافع هر دو باشگاه تأمین شد. هم آنها راضی بودند هم پرسپولیس. این مسأله زیاد هم طول نکشید و دو روز طول کشید و این جابه‌جایی اتفاق افتاد. در انتقالی که دو روز طول کشید، همه راضی بودند. اگر رضایت نداشتند که نمی‌آمدم و همانجا کار می‌کردم.

شرایط بازیکنان پرسپولیس: بازیکنانی که داریم ۳ قهرمانی را تجربه کرده‌اند و برای چهارمین قهرمانی هم انگیزه دارند. از سوی دیگر نیمه نهایی جام‌حذفی را هم پیش‌رو داریم. همه در شرایط روحی و روانی خوبی هستند. امروز (پنجشنبه) هم جلسه داشتیم و انگیزه و روحیه بالایی دارند که دل هواداران را شاد کنند. ما هم با تمام وجود کار و تلاش می‌کنیم تا ان‌شاءالله جوابگو باشیم.

تحویل گرفتن تیم قهرمان از کالدرون و پرداخت نشدن مطالبات بازیکنان: تنها نگرانی من بحث‌های مالی و پرداختی بازیکنان است. امیدوارم به جایی نرسیم که مشکلات مالی بخواهد بزرگ و باعث بی انگیزگی بازیکنان شود. در این مورد با مدیرعامل باشگاه صحبت کردیم و آنها تلاش و پیگیری می‌کنند.

جذب استوکس: در حال مذاکره هستند و فعلاً قطعی نشده است اما در مورد اوساگونا باشگاه پرسپولیس ۱۰ روز پیش با من تماس گرفت و با من مشورت کردند و خودم تأیید کردم که بیاید. در شهر خودرو هم که بودیم برای جذبش صحبت کرده بودیم. به نظرم می‌تواند بازیکن تأثیرگذاری باشد.

حرف و حدیث‌ها در مورد مبلغ قرارداد شما و اینکه گفته شده ۶ میلیارد بوده: برخی مسائل که در بحث قراردادها وجود دارد قطعاً شخصی است و به نفع باشگاه نیست که مطرح شود. مثلاً قرارداد سرمربی تیم ملی که بالاتر از همه چیز است را متوجه نشدید که چقدر است. در یکسری چیزها سرک نکشیم، بهتر است.

تقابل با فرهاد مجیدی در دربی: خیلی زود است در این مورد صحبت کنیم. قبل از آن دو بازی با تراکتور و نفت داریم. مهم‌ترین بازی همیشه بازی آینده است. تمام تمرکز ما برای دیدار با تراکتور است.

عکس نوشت

با توجه به تغییرات کادر فنی از جوان‌ترین بازیکن تیم (اریا برزگر) تا مسن‌ترین‌شان (سیدجلال حسینی) برای خودنمایی انگیزه‌های بیشتری پیدا کرده‌اند و این نکته در تمرینات مشهود است

گفته می‌شود با حضور یحیی، محمد نادری دوباره به ترکیب اصلی برمی‌گردد. گل‌محمدی همان مربی‌ای بود که به نادری در ترکیب اصلی تراکتورسازی بازی داد.

یحیی همانقدر که مربی جدی‌ای به نظر می‌رسد شوخ‌طبع هم هست و از آنجایی که با برخی بازیکنان قبل از این کار کرده ارتباط خوبی با آنها دارد.

مظاهر رحیم‌پور بدنساز جدید پرسپولیس که در سه تیم همراه یحیی بوده کار سختی خواهد داشت چراکه سرخ‌ها در یک مقطع فشرده ۸ بازی فوق‌العاده مهم، دشوار و سنگین را در لیگ و آسیا خواهند داشت.